



جهاد اقتصادی و لزوم بسترسازی فرهنگی

محمدحسین صادق پور
بنیاد پژوهش‌های اسلامی - مجله مشکوة

... من این سال را «سال جهاد اقتصادی» نام‌گذاری می‌کنم و از مسئولان کشور، چه در دولت، چه در مجلس، چه در بخش‌های دیگری که مربوط به مسائل اقتصادی می‌شوند و همچنین از ملت عزیزمان انتظار دارم که در عرصه اقتصادی با حرکت جهادگونه کار کنند، مجاهدت کنند. حرکت طبیعی کافی نیست؛ باید در این میدان، حرکت جهشی و مجاهدانه داشته باشیم.

بخشی از پیام نوروزی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۰، برگرفته از سایت معظم له.

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۱۰

سال ۱۳۹۰ هوشمندانه سال «جهاد اقتصادی» نام‌گذاری شد. عقیده نادرست تقابل دنیا و آخرت یا تعارض علم و دین که ریشه در مسیحیت و فرهنگ غرب دارد، سبب شد تا عده‌ای به کار و معیشت زندگی، نظر مثبت نداشته باشند.

در این مختصر با استفاده از آیات و روایات و سیره عملی معصومین علیهم‌السلام جایگاه مهم کار و فعالیت‌های اقتصادی از دیدگاه اسلام طرح شده تا جایی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از آن تعبیر به «جهاد» کرده است. این اصلاح نگرش و بسترسازی فرهنگی، نقش مهمی در جهاد اقتصادی و استفاده بهینه از نعمات الهی دارد.

کلید واژه‌ها: جهاد اقتصادی، سیره معصومان، اصلاح نگرش.

گرفتن تمامی ابعاد و ضرورت‌های اجتماعی، بایسته‌ترین و مهم‌ترین مسئله کشور را انتخاب و سال جدید را با آن

مقام معظم رهبری در طلیعه هر سال در پیام نوروزی خود از میان مناسبت‌ها و اولویت‌های گوناگون، با توجه به در نظر

نام‌گذاری می‌کنند. معظم له سال ۱۳۸۸ را سال اصلاح الگوی مصرف و سال گذشته را سال همت مضاعف و کار مضاعف نامیدند، که هر دو با موضوع اقتصاد رابطه‌ای تنگاتنگ داشت. همچنین سال ۱۳۹۰ با وجود اولویت‌های دیگر، هوشمندانه سال جهاد اقتصادی نامیده می‌شود، حکمت این اهتمام چیست؟

به نظر می‌رسد صدرنشینی مسائل اقتصادی و شیوه نام‌گذاری سال‌های اخیر دو نکته را بیان می‌کند؛ اول: بیانگر آن است که اقتصاد یکی از مبنایی‌ترین ارکان جامعه بوده و قرار گرفتن آن در جایگاه خود موجب آسایش و پیشرفت کشور است. علاوه بر آن سیر صعودی منظور شده در نام‌گذاری سال‌ها حاکی از آن است که اصلاح الگوی مصرف و پس از آن همت مضاعف، کار مضاعف گرچه لازم است، ولی کافی نبوده، بلکه سر و سامان دادن به وضعیت اقتصادی نیازمند یک جهاد اقتصادی همه‌جانبه است.

در موضوع جهاد اقتصادی در حوزه‌های مختلف از جمله راهکارها و راهبردها و نیز آثار و پیامدهای آن می‌توان صحبت کرد. در مثل برای بهبود وضع اقتصادی کشور این راهکارهای کلی قابل طرح است:

تغییر نگرش و اصلاح دیدگاه نسبت به موضوع جهاد اقتصادی؛ وحدت قوا و همدلی مسئولان؛ برنامه‌ریزی، جهاد علمی و مجهز شدن به فناوری پیشرفته؛ استفاده بهینه از منابع و مدیریت صحیح تولید؛ خصوصی‌سازی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی؛ پرهیز از مصرف‌گرایی و قطع واردات بی‌رویه؛ همت مضاعف و کار مضاعف و رواج ارزش‌سالاری؛ اجرای کارشناسی شده قانون هدفمندی یارانه‌ها؛ نفی سرمایه‌سالاری لجام‌گسیخته و مدیران نالایق. اما آنچه در این‌جا به آن اشاره خواهد شد، تنها راهکار اول، یعنی تغییر نگرش و اصلاح دیدگاه نسبت به موضوع جهاد اقتصادی است.

لزوم تغییر نگرش نسبت به فعالیت‌های اقتصادی
اصطلاح «جهاد اقتصادی» برای عده‌ای ممکن است کژتابی داشته و شفاف نباشد و چه بسا گمان کنند بین دو کلمه «جهاد» و «اقتصاد» تضاد وجود دارد و ترکیب «جهاد اقتصادی» یک ترکیب ناهمگن و یا حداقل متناقض‌نماست! چون «جهاد» بار معنایی بالا و مفهومی قدسی دارد و همسنگ واژگانی چون هجرت، ایمان، عبادت و شهادت است، ولی «اقتصاد» بیشتر به امور مادی و این جهانی متعلق است. آیا ممکن است این دو واژه متضاد در کنار هم قرار گیرد؟ به ویژه که از همان کودکی در سر کلاس انشا با موضوع

کذایی «علم بهتر است یا ثروت»، توهم دوگانگی و تضاد در ذهن ما نقش بسته است. می‌دانیم یکی از شرایط مسئله تحقیق، عدم القاگری دیدگاهی خاص است که متأسفانه در مواردی میان مفاهیم مرتبط اسلامی دوگانگی القا شده است.

ناگفته نماند این تضادانگاری و تناقض‌پنداری به دلیل ظاهربینی و سطحی‌نگری است که در هر زمانی به گونه‌ای رخ می‌نماید. خاستگاه تاریخی آن را در مباحث اساسی مانند: تضاد دین و دنیا، تعارض دنیا و آخرت و یا تقابل علم و دین باید جست‌وجو کرد. اقوام و ادیانی همچون یهود و نصارا ارتباط تنگاتنگ بین این مفاهیم را درک نکرده و به ورطه افراط و تفریط درغلتیدند؛ یهود به دنیا‌گرایی و نصارا به آخرت و شد آنچه شد. پیامد این تفکر انحرافی در مباحثی مانند سکولاریسم و پلورالیسم دیده می‌شود که قرن‌ها در غرب مطرح است. متأسفانه عده‌ای این مباحث را ندانسته به فرهنگ اسلامی کشانده‌اند، در حالی که ربطی با ذات اسلام ندارد.

تفریط بر حذر داشته، راه میانه را تنها طریق نجات می‌داند. اسلام چنان که دنیاگرایی و دنیامحوری را بر نمی‌تابد با پشمینه‌پوشی و تارک دنیا شدن نیز سخت مخالف است. در نظرگاه قرآن، راه آخرت از همین دنیا می‌گذرد. آن کس که حظ و بهره‌ای از دنیا ندارد آخرت امیدبخشی هم نخواهد داشت. داستان معروف برخورد پیامبر ﷺ با عثمان بن مظعون را همه شنیده‌ایم. وقتی خبر رسید که عثمان زندگی عادی و همسرش را رها کرده و روز و شب به روزه و عبادت مشغول است؛ پیامبر ﷺ احساس کرد همان بدعت و انحرافی که مسیحیت را از پای درآورده به سراغ اسلام نوپا آمده است؛ از این رو خشمگین و کفش در دست از خانه خارج شد و با عتاب به عثمان گفت: «خداوند مرا به رهبانیت نفرستاده، بلکه با آیین مستقیم و آسان‌گیر فرستاده است. من هم نماز می‌خوانم، هم روزه می‌گیرم و هم نزد همسرم می‌روم.»^۱

و در جای دیگر فرمود: «لیس الزهء فی الدنيا تحریم الحلال ولا إضاعة المال

جایگاه اقتصاد در اسلام و مفهوم جهاد اقتصادی

اسلام همیشه ما را از پرتگاه افراط و

۱. کلینی، اصول کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۴۹۴.

ولكن الزهدُ في الدنيا الرضا بالقضاء»؛^۱ زهدورزی نسبت به دنیا، حرام کردن حلال بر خود و یا ترک ثروت نیست، بلکه زهدورزی در دنیا، راضی بودن به قضای الهی است.

چنان‌که گفته شد، این انحراف فکری در ادیان گذشته ریشه دارد و متأسفانه به‌رغم مخالفت شدید پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام و روشنگری‌های آنان به جهان اسلام راه یافته است. تغییر یک نگرش غلط و یک فرهنگ انحرافی به ویژه اگر در جامعه ریشه دوانیده و نهادینه شده باشد، جز با یک جهاد فکری گروهی و یک کار فرهنگی مستمر حاصل نخواهد شد. از این‌رو به نظر می‌رسد در سال جهاد اقتصادی، زیربنایی‌ترین و ضروری‌ترین اقدام، اصلاح نگاه جامعه به فعالیت‌های اقتصادی و جایگاه مهم آن در اسلام بوده، چون دیگر کارها و دستاوردها بر همین اصلاح نگرش استوار است. رهروی که سر در پیش انداخته و ندانسته به بی‌راهه می‌رود، بر فرض اگر

بر مرکبی راهوار نشیند، بیشتر از هدف دور خواهد شد. او قبل از هر چیز نیازمند یک تحول بینشی و انقلاب فکری است تا بتواند تغییر مسیر دهد و به مقصد نزدیک شود.

بدیهی است در این تغییر نگرش، اقتصاددانان دانش‌آموخته غرب زیاد نمی‌تواند به ما کمک کند، بلکه این مهم بر عهده مراکز دین‌پژوهی و محققان اسلام‌شناس است. متولیان دینی باید با بسترسازی فرهنگی و دورخیز علمی زمینه‌های تغییر این چرخش فکری را فراهم آورند. در بسیاری از اصطلاحات و کلمات از جمله «جهاد» و «اقتصاد» باید بازخوانی و بازنگری داشته باشیم و آنان را از انحصار یک معنای خاص و ظاهری خارج سازیم.

در مثل با شنیدن واژه مقدس «جهاد» بیشتر جنگ و کشتن و خون و شمشیر و آه و ناله در ذهن مجسم می‌شود، در حالی که «جهاد» معنای گسترده‌ای دارد و جنگ تنها یکی از مصادیق آن و آن‌هم در موقع اضطرار است، که گفته‌اند: «آخر الدواء الکی»^۲. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، آل‌البیت، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۵۱.

۲. «آخرین مرهم داغ نهادن باشد» ضرب‌المثل

«ليس الجهادُ أن يضرب الرجلُ بسيفه في سبيل الله، إنما الجهادُ مَنْ عَالَ وَالِدِيهِ وَ عَالَ وَكَلَدَهُ، فَهُوَ فِي جِهَادٍ. وَ مَنْ عَالَ نَفْسَهُ فَكَفَّهَا عَنِ النَّاسِ فَهُوَ فِي جِهَادٍ»؛ جهاد آن نیست که مرد در راه خدا شمشیر زند، بلکه جهاد آن می‌کند که بار زندگی پدر و مادر و فرزند می‌برد، هر که بار زندگی خویش می‌برد که از مردم بی‌نیاز شود، جهاد می‌کند.

آیا مفاهیمی چون: ساختن و آباد کردن، تولید و ایجاد ارزش افزوده، تخصص و یادگیری آداب کار، رعایت نظم و مقررات کاری، تعهد اخلاقی و دست‌نیاز به سوی دیگران دراز نکردن و سربار دیگران نبودن با قاموس «جهاد» بیگانه است؟ یا همه در میدان معناشناسی «جهاد» به گونه‌ای نهفته است؟

فلاح و رستگاری تنها در خواندن دعای توسل و کمیل و ندبه خلاصه

عرب است. امام علی علیه السلام نیز در خطبه ۱۶۸ **نهج البلاغه** در مقابل مردی از صحابه که به او گفتند، چه شود آنان را که بر عثمان شوریدند کيفر دهی؟ فرمود: «وَ إِذَا لَمْ أَجِدْ بَدَأُ فَأَخِيرُ الدُّوَاءِ الْكَيُّ».

۱. **نهج النصاحه**، گردآورنده: ابوالقاسم پاینده، تحقیق و ترجمه: دکتر جعفر دلشاد و دکتر نصرالله شاملی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، حدیث ۲۳۷۰.

نمی‌شود، بلکه سخت‌کوشی و دست‌های پینه‌بسته نیز از نشانه‌های ایمان است. دین کشتی‌سواری نیست، بلکه شناگری و کوشش مداوم است. داستان پندآموز پیامبر صلی الله علیه و آله با سعد انصاری را همه شنیده‌ایم، انس بن مالک می‌گوید: سعد انصاری پس از بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله از جنگ تبوک به استقبال آن حضرت رفت، پیامبر با او مصافحه کرد و چون دست در دست سعد گذاشت، فرمود: این زبری چیست که در دست‌های توست؟

عرض کرد: یا رسول الله! با بیل و کلنگ کار می‌کنم و برای خانواده‌ام روزی فراهم می‌نمایم.

رسول خدا دست سعد را بوسید و فرمود: این دستی است که حرارت آتش دوزخ به آن نرسد.^۲

در سیره‌گفتاری و رفتاری امامان معصوم به ویژه حضرت علی علیه السلام نیز از کار و تلاش ستایش شده و تنبلی و سستی نکوهیده شده است. امام علی علیه السلام در **نهج البلاغه** زهدپیشگان، بازرگانان، صنعتگران و عموم مردم را به کار

۲. ابن اثیر، **اسدالغابه**، تهران، کتابفروشی اسلامی، ج ۲، ص ۱۶۹.

تشویق نموده و از کم‌کاری و کاهلی بر حذر داشته است. وی در جایی می‌فرماید: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَاباً ثُمَّ افْتَقَرَ فَأُبعِدَهُ اللهُ»؛ کسی که آب و زمینی در اختیار دارد و فقیر است، خدا او را از رحمت خود محروم کرده است.

به نظر می‌رسد در گیتی کسی مانند امام علی علیه السلام دنیا را خوار و مُردار نپنداشته و در همان حال کمتر کسی از فرزندان آدم است که در سخت‌کوشی در همین دنیا و بهره‌کشی از آن به پای حضرتش برسد. درک درست این سیره گفتاری و رفتاری امام که بسیار ظریف و دقیق بوده، همان چیزی است که می‌تواند همچون چراغی فراروی ما باشد.

امام علیه السلام آنجا که دنیا بخواهد اصل قرار گیرد و فرهنگ سرمایه‌داری لجام‌گسیخته حاکم شود و چرب و شیرین آن انسان را از پای درآورد، به شدت به آن می‌تازد؛ اما آنجا که انسان بر کرامت و عظمت خود واقف است و دنیا در نظرش مزرعه‌ای بیش نیست؛ امام علیه السلام دنیا را

مغتمن شمرده و بهترین فرصت برای برداشتن زاد و توشه می‌داند.

امید است در سال جهاد اقتصادی با تأسی به سیره گفتاری و عملی معصومان علیهم السلام بتوانیم با فراهم آوردن زمینه‌های فکری و بسترسازی فرهنگی، به فعالیت‌های اقتصادی و کار و تلاش به چشم عبادت و عظمت نگاه کنیم و با مراقبت از فریفته شدن، بهترین بهره‌ها را از دنیا و نعمات الهی ببریم. ناگفته نماند، نزدیک شدن به صراط مستقیم و خط اعتدال و جمع بین دنیا و آخرت، دشوار است و آگاهی و هنرمندی می‌خواهد. بایسته است در پایان راهبرد حکیمانه امام حسن مجتبی علیه السلام که برای عملیاتی شدن این دیدگاه مناسب می‌نماید، آورده شود. امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «واعمل لدنیاك كأنك تعیش أبداً و اعمل لآخرتك كأنك تموت غداً»؛ برای دنیای خود چنان عمل کن که گویا همیشه زندگانی خواهی کرد و نسبت به آخرت خویش به گونه‌ای عمل کن، مثل این که فردا خواهی مرد.

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۳۸، حدیث ۶.

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲۴، ص ۱۲.